

کارکردهای گفتمانی برجسته‌سازی گویشی در شعر معاصر خراسان شمالی براساس رویکرد نشانه‌معناشناسی

(مطالعه موردی: منظومه دوچنار و لیلا نه‌ها اثر حسن روشن)

فاطمه زمانی*

(۵۳۳۹-۲۶۷۶-۰۰۰۳-۰۰۰۰)

ابراهیم کنعانی**

(۵۴۶۲-۲۷۳۷-۰۰۰۳-۰۰۰۰)

چکیده

برجسته‌سازی زبانی، به مثابه انحرافی آگاهانه از هنجارهای زبانی، در اشکال متنوع واژگانی، نحوی، زمانی، گویشی و معنایی، نقشی محوری در آفرینش‌های ادبی ایفا می‌کند. در بوم‌سروده‌ها، ارجاع به مؤلفه‌های فرهنگی، محیطی و جغرافیایی زیست‌بوم شاعر، به بسامد فزاینده واژگان محلی و در نتیجه برجسته‌سازی گویشی منجر می‌شود. این پژوهش، با اتخاذ رویکرد کیفی نشانه‌معناشناسی، به تحلیل کارکردهای گفتمانی برجسته‌سازی‌های گویشی در شعر معاصر خراسان شمالی می‌پردازد. بدین منظور، دو مجموعه شعر دوچنار و لیلا نه‌ها (گزیده غزلیات) اثر حسن روشن (م. ۱۳۵۵)، انتخاب شده‌اند که مجموعاً ۳۲۸ واژه محلی و گویشی در دوچنار و در لیلا نه‌ها استفاده شده‌است. این واژه‌ها عمدتاً حول محور نام‌های محلی اماکن، خوراک، پوشاک، بازی‌ها و ضرب‌المثل‌ها است که کارکردهای متعددی را در سطوح گفتمان فعال می‌سازد. از منظر کارکرد عاطفی گفتمان، این واژگان بیانگر «فشاره عاطفی» و تعلق خاطر شاعر به زادگاه خود هستند و در سطح شناختی، به بازنمایی هویت اجتماعی و فرهنگی وی کمک می‌کنند. این امر، ساختاری افزایشی را در نحو تنشی گفتمان ایجاد می‌کند که به تعمیق تجربه زیسته مخاطب می‌انجامد. در بعد حسی- ادراکی، کاربرد هدفمند واژگان گویشی، به گونه‌ای پدیدارشناسانه، موجب «حاضر سازی غایب» می‌گردد. این حاضر سازی، با فعال کردن حواس پنج‌گانه سوژه در فرایند دریافت معنا، ابژه‌های بومی را به «نمایه‌ای فرهنگی» تبدیل می‌کند و در فضایی نوستالژیک، احساساتی عمیق نظیر تفاخر، صلابت و شادمانی را در گوینده و مخاطب برمی‌انگیزد. این پویایی حسی- ادراکی، فراتر از یک بازنمایی ساده، به خلق یک تجربه زیباشناختی منحصر به فرد منجر می‌شود. در این تجربه، واژگان محلی، زمان «زیبایی‌شناختی حضور» را آفریده و گفته‌پرداز را از جهان عینی گسسته و به دنیای درون پیوند می‌زند. برآیند این فرایند، تولید معنا و تصاویر شاعرانه خلاقانه است که صرفاً با جایگزینی واژگان محلی، قابل دستیابی نیست و بیانگر «سوبژکتیویته گفتمانی» خاص این شاعر است.

کلیدواژه: برجسته‌سازی گویشی، نشانه‌معناشناسی، لیلا نه‌ها، دو چنار، روشن.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران (نویسنده مسئول).

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران.

۱. مقدمه

شعر معاصر خراسان شمالی در گذر زمان، گستره‌ای از جریان‌های شعری متنوع را در خود جای داده است. از منظر فرمی، این منطقه شاهد تداوم سنت کلاسیک‌سرایی بوده و در کنار آن، نئوکلاسیک‌ها با محور قرار دادن غزل معاصر حضوری فعال داشته‌اند. همچنین، جریان‌های آزاد نظیر نیمایی، سپید و شاملویی، و حتی رویکردهای آوانگارد (پیشرو)، افق‌های تازه‌ای به این گستره افزوده‌اند. از نظر محتوایی نیز، این جریان‌های شعری بازتاب‌دهنده مضامین گوناگونی چون بوم‌سروده‌ها، اجتماعی، پایداری، آیینی، عاشقانه‌سرایی، اعتراض و طنز بوده است. در میان این تنوع، در دهه‌های اخیر، جریان «بوم‌سروده‌ها» و توجه ویژه به زبان و فرهنگ عامه در خراسان شمالی تقویت شده است. این جریان، که انعکاسی از هویت جمعی شاعران این منطقه است، به تدریج خود را در قالب سبکی متمایز نشان داده و جایگاهی در گستره شعر محلی ایران یافته است. در بوم‌سروده‌های خراسان شمالی، ارجاعات فراوانی به اقلیم جغرافیایی، آداب و رسوم، بازی‌ها، ضرب‌المثل‌ها، خوراک، پوشاک و غیره وجود دارد. برای نمونه در سه‌خشتی‌های خراسان شمالی، این ویژگی به این صورت نشان داده شده است: «بلندی کوهستان ترخ سیاه‌خارهای فراوانی دارد/ و یار شیلوارزرد مانند عروس‌ان شده/ بیا صبح خروس‌خوان فرار کنیم» (بیدکی، ۱۳۹۵: ۳۸۶)؛ یا در این شعر از اسماعیل حسین‌پور: «سردار عیوض رفت؛ اما سروهای کوهستان برپا ایستاده‌اند/ می‌گویند: مردان غیرتمند ایل خواهند آمد/ مردان استوار در راه‌اند و می‌آیند» (روشان و شیرین‌زبان، ۱۳۹۰: ۴۸). این پدیده، به طور طبیعی، به افزایش بسامد واژگان گویشی و محلی در شعر منجر شده و به «برجسته‌سازی گویشی» زبان شعر انجامیده است.

از منظر نشانه‌معناشناسی، زبان صرفاً ابزاری برای انتقال پیام نیست، بلکه سیستمی پویاست که تحت تأثیر جریان‌های حسی-ادراکی، عاطفی و شناختی گوینده از دنیای درون و برون، به تولید معنا می‌پردازد. در این رویکرد با گفتمان‌های مختلف شناختی، عاطفی، حسی-ادراکی و زیبایی‌شناختی مواجه هستیم. گفتمان شناختی به دو حوزه کنشی و شوشی تقسیم می‌شود. در گونه کنشی، به جنبه‌های منطقی، مفهومی و معرفتی متن پرداخته می‌شود اما در گونه شوشی، شناخت برآیند رابطه‌ای تعاملی، حسی، شاعرانه، اسطوره‌ای و رخدادی است (ر.ک. شعیری، ۱۳۹۵: ۵۰-۸۵). در گفتمان عاطفی، با حضور شوشگری عاطفی مواجه می‌شویم که مبتنی بر رابطه‌ای مبتنی بر التفات و نوعی رابطه حسی-ادراکی با پدیده‌ها، برای خود هویتی پویا و سیال رقم می‌زند (همان: ۱۳۷-۱۸۲). گفتمان حسی-ادراکی، بر زنجیره گفتمانی گونه‌های حسی متمرکز است که مبتنی بر نظام زنجیره‌ای حواس شکل می‌گیرد و بین شوش‌گر و مقوله حس و ادراک پیوندی برقرار می‌سازد (همان: ۸۶-۱۳۶). در گفتمان زیبایی‌شناختی نیز رابطه‌ای تعاملی بین شوشگر با جهان هستی شکل می‌گیرد که وجهی پدیداری دارد (همان: ۱۸۳-۲۲۳). این کارکردها در تعامل با یکدیگر، اتصال گفتمانی را که پیوند معنایی و فرمی عناصر گفتمان است، تقویت کرده و به پویاسازی گفتمان یعنی خلق معنا در لحظه و در بافت خاص می‌انجامند. در این چارچوب، کاربرد واژگان محلی و گویشی، نه تنها به‌عنوان یک برجسته‌سازی زبانی عمل می‌کند، بلکه قابلیت‌های فراوانی برای تأثیرگذاری بر ابعاد مختلف گفتمان را داراست. این برجسته‌سازی، در پیوند با

«اتصال گفتمانی» عمیق بین گفته‌پرداز و گفته، فرایند «پویاسازی گفتمان» را در محورهای عمودی (انتخاب واژگان) و افقی (نظم و ترتیب کلام) فعال می‌سازد و به این ترتیب، لایه‌های معنایی جدیدی به متن می‌بخشد. براین اساس، در پژوهش حاضر، به بررسی کارکردهای گفتمانی برجسته‌سازی‌های گویشی در شعر معاصر خراسان شمالی از منظر نشانه‌معناشناسی می‌پردازد. درواقع، هدف اصلی پژوهش، تبیین چگونگی تأثیر برجسته‌سازی گویشی بر ابعاد مختلف گفتمان و شناخت کارکردهای گفتمانی مترتب بر آن است.

۱.۱. پرسش‌های پژوهش

۱. برجسته‌سازی‌های گویشی در شعر حسن روشن، کدام کارکردهای عاطفی و شناختی را فعال ساخته و چگونه بر «اتصال گفتمانی» شاعر با زادگاه و هویت فرهنگی‌اش تأثیر می‌گذارد؟
 ۲. کاربرد واژگان گویشی در آثار مورد مطالعه، چگونه به شکل‌گیری گفتمان حسی-ادراکی منجر شده و به «حاضر سازی غایب» و تعمیق «فضای تنشی» گفتمان کمک می‌کند؟
 ۳. از منظر زیبایی‌شناختی، برجسته‌سازی گویشی در شعر حسن روشن، چه کیفیاتی را به متن می‌بخشد و چگونه به «زمان زیبایی‌شناختی حضور» و «خلق معنای و تصاویر شاعرانه خلاقانه» منجر می‌شود؟
- بدین منظور، منظومه دوچنار (۱۳۹۶) و مجموعه غزل لیلا نه‌ها (۱۴۰۱) از حسن روشن مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته‌اند. دوچنار، به دلیل ماهیت روایی و تاریخی‌اش، بستری غنی برای تحلیل کارکردهای شناختی و حسی-ادراکی فراهم می‌کند. لیلا نه‌ها نیز با مضامین عاشقانه و هجرانی، فرصتی برای کاوش در کارکردهای عاطفی و زیبایی‌شناختی برجسته‌سازی گویشی ارائه می‌دهد. این ترکیب، امکان بررسی جامع و چندوجهی تمامی کارکردهای گفتمانی (عاطفی، شناختی، تنشی، حسی-ادراکی و زیبایی‌شناختی) را در یک چارچوب تحلیلی نشانه‌معناشناختی فراهم می‌آورد.

۱.۲. پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های بسیاری درباره ابعاد گفتمان در متون ادبی انجام شده‌است. حمیدرضا شعیری (۱۳۸۶) در مقاله «بررسی سطوح شناختی گفتمان» مهمترین سطوح شناخت گفتمانی را دو سطح صوری و انتزاعی معرفی می‌کند. وی شناخت انتزاعی یا کیفی را به دو صورت برنامه‌محور یا کنشی و ارزش‌محور یا غیر کنشی تقسیم‌بندی نموده‌است. همو (۱۳۹۵)، در تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان، ابعاد مختلف گفتمان شناختی، حسی-ادراکی، عاطفی و زیبایی‌شناختی را بررسی کرده و به‌عنوان نمونه برخی از شعرهای معاصر فارسی را از این منظر تحلیل کرده است. کنعانی (۱۳۹۷) در مقاله «نظام زیباشناختی گفتمان در هم‌کنشی صدا و نور بر مبنای قصه «یاری خواستن حلیمه از بتان»» بدین نتیجه رسیده‌است که دو عامل «صدا» و «نور» فضایی هم‌کنشی را شکل می‌دهد. این وضعیت فضایی حسی، رخدادی و شوشی را در گفتمان رقم می‌زند که نتیجه آن، تحقق نظام زیباشناختی و وضعیت استعلایی حضور است. طباطبایی (۱۳۹۹)، در مقاله «بررسی نقش القایی آوا و ساختار در فرایند حسی-ادراکی گفتمان و روند تولید